

Investigating the Performance of the Iranian Government in the Rationing of Goods and Distribution of Coupons in World War II

(Case Study: Sugar)

Mohammad Bakhtiari*

Abstract

The occupation of Iran in World War II caused many problems such as insecurity, food shortages, hoarding, smuggling and inflation. In order to deal with the current crisis and the fair distribution and distribution of groceries, the government adopted the principles of rationing and distribution of voucher-based essentials so that all members of society could meet their essential needs by paying a reasonable price. The purpose of the present study is to investigate the performance of the government in the rationing and distribution of sugar and sugar coupons in World War II. The research method in this study is descriptive-analytical and the method of data collection is documentary and libraries. The results of the study show that the government has tried to provide the people with the necessary commodities at a reasonable price by adopting measures such as hiring American advisers, issuing banknotes and borrowing to buy goods and receiving quotas from the Middle East Food Supply Committee. But problems such as the production of counterfeit coupons, the sale of coupons by speculators, the emergence of the black market, the hoarding and smuggling of goods, the purchase of goods by the Allies, the shortage of means of transport, and political disagreement caused the government despite a fragmented settlement. One of the problems with the rationing method is failing to achieve the main goals.

Keywords: World War II ,Rationing, Coupons ,Sugar, Millspaugh

* Assistance professor of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran,
bakhtiari@HUM.ikiu.ac.ir

Date received: 10/3/2020, Date of acceptance 21/6/2020



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی عملکرد دولت ایران در جیره‌بندی کالا و توزیع کوپن در جنگ جهانی دوم (مطالعه موردی: قند و شکر)

محمد بختیاری*

چکیده

اشغال ایران در جنگ جهانی دوم سبب بروز مشکلات فراوانی همچون ناامنی، کمبود مواد غذایی، احتکار، قاچاق و تورم شد. دولت برای مقابله با شرایط بحرانی موجود و تهیه و توزیع عادلانه خواربار، اصول جیره‌بندی و توزیع کالاهای ضروری از طریق کوپن را در پیش گرفت. هدف پژوهش حاضر بررسی عملکرد دولت در جیره‌بندی و توزیع کوپنی کالا در جنگ جهانی دوم است و می‌خواهد به این سوال پاسخ دهد که دولت در امر جیره‌بندی و توزیع کوپنی قند و شکر تا چه اندازه موفق بوده است؟ روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد دولت با اتخاذ تدابیری همچون استخدام مستشاران آمریکایی، انتشار اسکناس و دریافت وام برای خرید کالا و تصویب و صدور قوانین و آیین‌نامه‌های مختلف تلاش کرد تا کالاهای اساسی مورد نیاز مردم را با قیمت متعادل به دست آنها برساند. اما بروز مشکلاتی همچون تولید کوپن‌های تقلبی، خرید و فروش کوپن توسط دلالان، ایجاد بازار سیاه، احتکار و قاچاق کالا، خرید کالا توسط متفقین، کمبود وسایل حمل و نقل و اختلافات سیاسی سبب شد تا دولت علی‌رغم حل پاره‌ای از مشکلات با روش جیره‌بندی، در رسیدن به اهداف اصلی ناکام بماند.

کلیدواژه‌ها: جنگ جهانی دوم، جیره‌بندی، کوپن، قند و شکر، میلپو.

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران، bakhtiari@HUM.ikiu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۳۱



۱. مقدمه

جیره‌بندی (Rationing) به عنوان یک استراتژی عرضه و تقاضای کالا و خدمات، همواره یکی از بحث برانگیزترین موضوعات اقتصادی بوده است و در نقطه مقابل سیستم بازار (Price system) قرار دارد. در روش اخیر، تولید و توزیع کالا و خدمات با مکانیزم بازار آزاد که توسط سیستم قیمت آزاد هدایت می‌شود، انجام می‌گیرد. در این روش نظام سیاسی حاکم بر جامعه، در میزان تولید و قیمت کالا دخالت مستقیم نمی‌کند و مقدار عرضه و تقاضا در بازار، ملاک و مبنای قیمت‌گذاری قرار می‌گیرد. این روش که مورد تأیید اکثر اقتصاددانان جهان است، از سوی بسیاری از کشورهای جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما در روش جیره‌بندی که اغلب در مواقع بروز بحران‌های اقتصادی و سیاسی، بخصوص در زمان وقوع جنگ، از سوی برخی از کشورها به کار گرفته می‌شود، دولت برای جبران کمبودهای به وجود آمده در اثر شرایط جنگی، تأمین کالاهای اساسی همه افراد جامعه و جلوگیری از افزایش شدید قیمت‌ها در بازار، به جیره‌بندی کالا و دخالت مستقیم در سیستم اقتصادی کشور می‌پردازد. این روش در طول تاریخ از سوی کشورهای متعددی مورد استفاده و آزمایش قرار گرفته و با پیامدهای متفاوتی روبه‌رو شده است. به طور مثال، انگلستان که از مدافعان بازار آزاد است، در هر دو جنگ جهانی اول و دوم، از سیستم جیره‌بندی استفاده کرده است. در ایران نیز روش جیره‌بندی و توزیع کالا از طریق کوپن، در جنگ جهانی دوم و جنگ ایران و عراق مورد استفاده قرار گرفته و در زمان کنونی نیز که کشور با تحریم‌های شدید اقتصادی از سوی آمریکا مواجه شده است، زمره‌های استفاده از چنین سیستمی شنیده می‌شود. صرف نظر از معایب و مزایای کلی چنین سیستمی که بحث‌های زیادی را میان اقتصاددانان و سیاستمداران به وجود آورده و از حوصله پژوهش حاضر خارج است، در این تحقیق به تحلیل و ارزیابی عملکرد دولت ایران در جیره‌بندی کالا و توزیع کوپن در جنگ جهانی دوم پرداخته می‌شود. مسأله اصلی پژوهش حاضر این است که دولت برای جیره‌بندی و توزیع کوپنی قند و شکر به عنوان یکی از کالاهای اساسی خانواده‌های ایرانی، چه تدابیر و اقداماتی را در پیش گرفت؟ در این مسیر با چه موانع و مشکلاتی مواجه شد؟ و تا چه حدی در رسیدن به اهداف خود، مبنی بر توزیع عادلانه قند و شکر بین همه افراد جامعه با یک قیمت متعادل، موفق بود؟

پژوهش حاضر در صدد است با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد موجود در آرشیو مرکز اسناد و کتابخانه ملی (ساکما)، روزنامه‌ها، بخصوص روزنامه

اطلاعات، خاطرات و گزارش‌های شاهدان عینی وقایع و سایر منابع دست اول به بررسی تدابیر دولت برای جیره‌بندی کالا و توزیع کوپنی قند و شکر پرداخت. در این مقاله از روش توصیفی برای بیان نحوه اجرای جیره‌بندی و توزیع کوپن توسط دولت و مشکلات و موانع موجود و از روش تحلیلی برای تبیین و ارزیابی عملکرد دولت و میزان موفقیت او در تدابیری که برای حل مشکلات به کار گرفت، استفاده می‌شود.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد دولت با اتخاذ تدابیری همچون استخدام مستشاران آمریکایی، انتشار اسکناس و دریافت وام برای خرید کالا، تصویب و صدور قوانین و آیین-نامه‌های مختلف، خرید کالا از متفقین، دریافت سهمیه از کمیته تدارکات خواربار خاورمیانه و افتتاح فروشگاه‌های دولتی برای توزیع کالا تلاش کرد تا کالاهای اساسی مورد نیاز مردم را با قیمت متعادل به دست آنها برساند. اما بروز مشکلاتی همچون تولید کوپن‌های تقلبی، خرید و فروش کوپن توسط دلالان، ایجاد بازار سیاه، احتکار و قاچاق کالا، خرید کالا توسط متفقین، کمبود وسایل حمل و نقل و اختلافات سیاسی سبب شد تا دولت علی‌رغم حل پاره‌ای از مشکلات با روش جیره‌بندی، در رسیدن به اهداف اصلی ناکام بماند.

پیشینه تحقیق: موضوع جیره‌بندی ارزاق و توزیع کوپنی کالا در جنگ جهانی دوم علی-رغم اهمیت فراوانش، تا کنون از طرف پژوهشگران مورد توجه جدی قرار نگرفته و اثر تحقیقی مستقلی در این باره به نگارش در نیامده است. تنها در برخی از آثار، مطالب پراکنده‌ای در این باره وجود دارد. به عنوان نمونه محمد قلی مجد در کتاب *ایران پل پیروزی، سرزمین قحطی* (مجد، ۱۳۹۵)، تنها به نامه بی‌حاصل میل‌سپو به کمیته تدارکات خاورمیانه اشاره می‌کند که تقاضای بازنگری در سهمیه قند و شکر ایران و افزایش آن را داشت که مورد موافقت مدیران این کمیته قرار نگیرد. یا اینکه مرتضی دهقان‌نژاد و الهام لطفی در کتاب *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در جنگ جهانی دوم* (دهقان‌نژاد و لطفی، ۱۳۹۳) در مطالب محدودی که به جیره‌بندی ارزاق اختصاص داده‌اند، تنها به جیره-بندی نان اشاره کرده و از توزیع کوپنی سایر کالاها از جمله قند و شکر سخنی به میان نیاورده‌اند. در آثار متعدد دیگری نیز که در مورد وضعیت ایران در جنگ جهانی دوم به نگارش درآمده، اغلب به پیامدهای سیاسی و اقتصادی اشغال ایران توسط متفقین و مشکلاتی همچون ناامنی، قحطی، گرانی و بیماری اشاره شده و مسائلی مانند جیره‌بندی ارزاق، به ویژه توزیع کوپنی قند و شکر و موانع و مشکلات آن مورد توجه قرار نگرفته است. مقاله حاضر برای اولین بار موضوع جیره‌بندی و توزیع قند و شکر از طریق کوپن در

جنگ جهانی دوم و تدابیر و عملکرد دولت برای انجام این کار را که اولین تجربه ایران در این خصوص بود، مورد بررسی قرار می‌دهد و از این منظر پژوهشی جدید محسوب می‌شود.

۲. جیره‌بندی و توزیع کالا از طریق کوپن

سابقه توزیع انحصاری کالاهایی همچون قند، شکر، چای، برنج، کبریت، سیگار، توتون و تنباکو در ایران به دوره پهلوی اول می‌رسد. در آن زمان پخش این کالاها به وسیله شرکت‌های خصوصی ویژه‌ای انجام می‌گرفت. هر یک از افراد جامعه می‌توانست به هر میزانی که می‌خواست، کالای مورد نظرش را از این شرکت‌ها تهیه کند و هیچگونه محدودیت و جیره‌بندی وجود نداشت، تنها محدودیت، توزیع انحصاری آنها توسط شرکت‌های خاص بود (اطلاعات، ۱۳۲۰/۱/۵: ۱). اما با ورود متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰ که به استعفای رضاشاه و بروز هرج و مرج و ناامنی منجر شد، سیستم تعادل عرضه و تقاضا که عامل عمده تعیین بهای اجناس است، به هم ریخت. از یک طرف تولید و عرضه کالا به خاطر اغتشاشات شهریور ماه، ناامنی راهها، کمبود وسایل نقلیه و کاهش واردات کالا از خارج، به شدت کاهش یافت (ایران در اشغال متفقین، ۱۳۷۱: ۳۵۵-۳۵۶) از طرف دیگر میزان تقاضا نسبت به قبل افزایش پیدا کرد، چون بسیاری از کسانی که توانایی مالی داشتند نیازهای چندین ماهه یا حتی سالانه خود را خریده و ذخیره نمودند (اسکرین، ۱۳۶۳: ۲۱۰) عده‌ای نیز از وضعیت به وجود آمده سوءاستفاده کردند و با خرید و احتکار کالا به صورت کلان برای کسب سود بیشتر، بر وخامت اوضاع افزودند (میلسپو، ۱۳۷۰: ۸۶) خرید کالا توسط متفقین برای استفاده سربازانشان در ایران و یا جهت انتقال به شوروی نیز مزید بر علت شد (فرخ، ۱۳۴۸: ۵۰۷ و ۵۱۵-۵۱۶؛ خامه‌ای، ۱۳۸۱: ۳۷/۴). نتیجه چنین عواملی، به هم خوردن تعادل عرضه و تقاضا در بازار و افزایش چندین برابر قیمت‌ها بود، طوری که قیمت یک من قند در بازار آزاد در همان ماههای اول اشغال ایران به ۸ تومان رسید در حالی که قیمت دولتی آن ۲۴ قران بود (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۸۱). در چنین شرایطی که بسیاری از افراد طبقات پایین جامعه توانایی خرید مایحتاج ضروری زندگی را نداشتند، دولت برای تأمین کالاهای اساسی همه افراد جامعه و جلوگیری از افزایش شدید قیمت‌ها، اقدام به جیره‌بندی برخی از کالاهای ضروری نمود تا از این طریق همه افراد جامعه بتوانند از کالاهای اساسی و کمیاب به میزان مساوی بهره‌مند شوند.

اولین کالاهایی که بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ جیره‌بندی شد، قند و شکر بود. در آن زمان میزان مصرف قند و شکر در کشور ۱۰۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ تن بود که از این مقدار ۳۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ تن، یعنی حدود ۳۰ درصد در داخل تولید می‌شد و حدود ۷۰ درصد از خارج وارد می‌شد که به دلیل شرایط جنگی، واردات با مشکل روبه‌رو شد و در داخل نیز محصول کارخانه‌های قند هنوز آماده نشده بود (اطلاعات، ۱۳۲۰/۷/۱: ۱؛ مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۱۱۵). دولت از تاریخ ۱۰ آبان ماه ۱۳۲۰ اقدام به توزیع کوپن قند و شکر در تهران کرد. تعداد کل کوپن‌های پخش شده در تهران در ماه آبان ۵۳۳۲۲۴ عدد بود (اطلاعات، ۱۳۲۰/۹/۳: ۱).

هنوز چند روزی از اولین دوره توزیع کوپن در تهران نگذشته بود که به دلیل تقلب در آن، دولت مجبور شد کوپن‌های جدیدی را روی مقوا چاپ و از ۱۲ آذر شروع به توزیع کند. این بار به جای سی کوپن چهل گرمی، سه کوپن چهارصد گرمی توزیع شد که دو عدد آن قند و یک عدد شکر بود (ایران در بحران، ۱۳۷۹: ۵۰). این شیوه توزیع کوپن و کالا به صورت ماهانه ابتدا در تهران و سپس در شهرستانها، یکی پس از دیگری آغاز شد و ادامه یافت تا اینکه دولت در ۱۰ فروردین ۱۳۲۱ طی اعلامیه‌ای به مردم تهران اطلاع داد در نخستین جمعه اردیبهشت ماه در تهران و حومه تا شعاع شش کیلومتر تعطیل عمومی است. در این روز همه باید در خانه‌های خود بمانند تا کوپن‌های همه افراد در یک روز به وسیله سه هزار مأمور توزیع شود. این بار کوپن‌ها در منازل روی هر فرد زنده و حاضر تقسیم می‌شد و برای شش ماه بود. در روی این کوپن‌های شش ماهه، برای هر ماه یک کوپن قند و شکر بود که مقدار آن برای جلوگیری از خرید و فروش کوپن، بر روی آن نوشته نشده بود و بعداً به نسبت موجودی، آگهی داده می‌شد. دیگر اینکه این بار بر روی کوپن، نام، نشانی و سایر مشخصات صاحب کوپن نوشته شده بود و دارنده کوپن مجبور بود هنگام گرفتن کالا، شناسنامه خود را با کوپن به فروشنده ارائه نماید (اطلاعات، ۱۳۲۱/۱/۱۰). توزیع قند و شکر بر اساس کوپن‌های جدید از ۱۵ اردیبهشت در تهران و از ماه‌های بعد در شهرستان‌ها شروع شد.

جیره‌بندی قند و شکر و توزیع آنها بر اساس کوپن تا مدت‌ها ادامه یافت. در طول این مدت، با توجه به میزان موجودی هر یک از کالاها که به میزان بارندگی و خوبی محصولات کشاورزی، خبرهای رسیده از جبهه‌های جنگ، تعقیب و مجازات محترمان و گرانفروشان، بهبود وسایل حمل و نقل، واردات کالا از خارج، برقراری امنیت و کاهش یا

افزایش اختلافات سیاسی داخلی بستگی داشت، تغییراتی در تعداد کالاهای جیره‌بندی شده و مقدار سهمیه افراد داده می‌شد. طوری که بعد از گذشت دو سال از شروع جیره‌بندی در ایران، هنوز هیچ رویه صحیح و ثابتی برای توزیع کالاها وجود نداشت و برنامه آزمون و خطا همچنان ادامه داشت.

در سال ۱۳۲۱ دولت برای سر و سامان دادن به وضعیت آشفته اقتصادی، مستشاران خارجی استخدام کرد. اما در نهایت آنها نیز نتوانستند برنامه دقیق و ثابتی برای این کار تدارک ببینند (بولارد و اسکرین، ۱۳۶۳: ۹۲). با رفتن مستشاران خارجی از ایران در زمستان ۱۳۲۳، انجام امور مربوط به جیره‌بندی که در طول حضور آنها در ایران از جمله وظایفشان بود، به سازمان تازه تأسیس «سازمان اقتصادی دولت» واگذار گردید. اما این سازمان بعد از چند ماه، در ۲۷ تیر ۱۳۲۴ منحل شد و بر اساس مصوبه دولت مقرر شد تهیه و توزیع کالاهای جیره‌بندی به شرکت‌های محلی واگذار شود تا با بستن قراردادهایی با وزارت دارایی و تحت نظارت همین وزارتخانه، کارهای مربوط به توزیع و پخش کالاها را انجام دهند. این کار تا زمانی ادامه می‌یافت که کالاهای انحصاری مانند قند، شکر و قماش در دنیا به اندازه کافی وجود نداشته باشد، اما به محض فراوان شدن این اجناس در جهان و دسترسی آسان به آن، انحصار و جیره‌بندی کالاها لغو می‌شد (اطلاعات، ۱۳۲۴/۴/۳۰: ۱) مقررات جیره‌بندی و توزیع تا چند ماه بعد از پایان جنگ جهانی برقرار بود تا اینکه در ۲۱ آبان ۱۳۲۴ با تصویب دولت، ابتدا در مورد قماش و سپس در مورد قند و شکر ملغی گردید و کوپن‌های موجود در دست مردم از درجه اعتبار ساقط شد.

۳. مشکلات جیره‌بندی و توزیع کوپن

جیره‌بندی کالا و توزیع کوپن در جنگ جهانی دوم با موانع و مشکلات زیادی روبه‌رو بود. چون اولاً این کار برای اولین بار در کشور اجرا می‌شد و هیچ نوع تجربه قبلی وجود نداشت که بتوان از آن استفاده کرد؛ ثانیاً در زمانی اجرا می‌شد که کشور در اشغال نیروهای متفقین بود و جامعه در شرایط بسیار بحرانی قرار داشت. در چنین وضعیتی، اجرای برنامه - ای برای اولین بار که بتواند مشکل کمبود خواربار و کالاهای اساسی مورد نیاز مردم را جبران و جلوی تورم، احتکار، قاچاق و انواع سوءاستفاده‌های دیگر را بگیرد، بسیار دشوار بود و در عمل با مشکلات فراوانی روبه‌رو شد که در ادامه به مهمترین آنها پرداخته می‌شود.

۱.۳ بی‌نظمی و تبعیض در توزیع کوپن و کالا

دولت برای جیره‌بندی و توزیع کوپن و کالا برنامه جامع، منظم و ثابتی نداشت. در واقع، دولت پایدار و ثابتی وجود نداشت که بتواند برنامه دقیق و مشخصی نیز برای حل مشکلات داشته باشد. دولت‌ها یکی پس از دیگری بر سر کار می‌آمدند و برنامه‌های خلق-الساعه و بدون پشتوانه علمی و تحقیقی خود را ارائه می‌دادند و قبل از اجرای آن، مجبور به استعفا می‌شدند و جای خود را به دولت جدید می‌دادند. در چنین شرایط آشفته‌ای، کار توزیع کوپن و کالا با نهایت بی‌برنامگی و بی‌نظمی انجام می‌شد. طوری که یک بار کوپن را بر اساس شناسنامه افراد می‌دادند و بار دیگر بر اساس حضور شخص. یک بار کوپن را ماهانه می‌دادند و بار دیگر سه ماهه و آنگاه شش ماهه. یک بار کوپن کاغذی می‌دادند و بار دیگر بر روی مقوا چاپ می‌کردند و آنگاه دفترچه جیره‌بندی توزیع می‌کردند (ساکما، ۱۳۲۱/۷/۴: ۹۷/۲۶۰/۴۵۰ و ۱۳۲۲/۲۲۰، ۳: ۱۳۲۲). مقدار سهمیه هر فرد نیز مدام در حال تغییر بود. مثلاً در تهران ابتدا به هر نفر ۸۰۰ گرم قند و شکر می‌دادند، بعد با کم شدن میزان تولید و واردات کالا، به ۵۰۰ گرم کاهش پیدا کرد. در سال ۱۳۲۲ با دریافت سهمیه از کمیته خواربار خاورمیانه و افزایش تولید داخلی، مقدار سهمیه هر فرد در تابستان به ۷۰۰ گرم و در زمستان همان سال به ۱۰۰۰ گرم (۵۰۰ گرم قند و ۵۰۰ گرم شکر) افزایش پیدا کرد. همین بی‌نظمی و بی‌ثباتی و نرسیدن کوپن و کالا به برخی از افراد جامعه باعث می‌شد که آنها در زمان توزیع کوپن و کالا همگی هجوم بیاورند و با ایجاد ازدحام و شلوغی، کار توزیع را مختل کنند (اطلاعات، ۱۳۲۳/۵/۱۷: ۱).

علاوه بر کمبود و نابسامانی، مشکل دیگر تبعیض قائل شدن بین افراد مختلف جامعه در بهره‌مندی از کالاهای جیره‌بندی بود که به نوبه خود در بروز و افزایش بی‌نظمی نقش داشت. در اجرای برنامه جیره‌بندی، تمرکز دولت بیشتر بر شهر تهران و کارمندان وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی بود. طوری که ابتدا سهمیه آنها داده می‌شد و سپس به بقیه مردم می‌پرداختند. یا اینکه کوپن و کالای آنها در ادارات خودشان توزیع می‌شد و خیلی سریع و راحت به سهمیه خود می‌رسیدند، در حالی که مردم عادی مجبور بودند سختی‌های فراوانی را برای دریافت کوپن و کالا تحمل کنند (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۲۱۱).

در مورد تبعیض بین تهران و سایر شهرستان‌ها نیز باید گفت که مردم تهران از ابتدا تا انتهای برنامه جیره‌بندی توانستند سهمیه ماهانه قند و شکر خود را هر چند با تحمل

زحماتی دریافت کنند اما در شهرستان‌ها وضعیت کاملاً متفاوت بود. در خیلی از شهرستان‌ها علی‌رغم نیاز شدید مردم، جیره‌بندی با تأخیر زیادی شروع شد. در بندر گز، شهرضا، گنبد کابوس و خیلی از مناطق دیگر تا تیر ماه ۱۳۲۱ دولت برای دادن قند و شکر سهمیه‌ای، هیچ اقدامی نکرده بود و مردم مجبور قند و شکر مورد نیاز خود را از بازار آزاد با چندین برابر قیمت تهیه می‌کردند (اطلاعات، ۱۳۲۱/۴/۲۳: ۱). در خیلی از مناطق دولت تنها به توزیع کوپن بسنده کرد بود و ماه‌ها از پخش کالا خبری نبود و مردم علی‌رغم داشتن کوپن، چندین ماه سهمیه دریافت نکرده بودند. به طور مثال، در بهشهر پنج ماه بعد از توزیع کوپن، هیچ کالای جیره‌بندی شده در بین اهالی پخش نشده بود (اطلاعات، ۱۳۲۱/۴/۱۲: ۱).

در مقدار و کیفیت کالاهای سهمیه‌ای تهران و شهرستان‌ها نیز تفاوت وجود داشت. زمانی که در تهران برای هر فرد ۸۰۰ گرم قند و شکر به صورت ماهانه می‌دادند، در اراک سهمیه ماهانه هر فرد ۲۵۰ گرم، در شاهرود ۷۵۰ گرم، در خرم‌آباد ۵۰۰ گرم و در هرسین ۴۰۰ گرم بود (ساکما، ۱۳۲۱/۲/۱۸، ۹۷/۲۹۳/۱۷۷۴۸: ۲۷؛ اطلاعات، ۱۳۲۱/۶/۸: ۴ و ۱۳۲۱/۶/۹: ۴). در تابستان ۱۳۲۲ که در تهران برای هر فرد در ماه ۷۰۰ گرم قند و شکر داده می‌شد، در کرمانشاه، اصفهان، شیراز و بسیاری از شهرهای بزرگ ۴۰۰ گرم قند و شکر (ساکما، ۱۳۲۲/۱۰/۸، ۹۷/۲۹۳/۱۷۰۴۵: ۲) در کرمان و شاهرود ۳۰۰ گرم شکر و در مراغه ۲۰۰ گرم نقل و دو سوم آن نشاسته می‌دادند (اطلاعات، ۱۳۲۲/۶/۲۶: ۴) هر چند اداره کل جیره‌بندی در ۱۴ آذر ۱۳۲۲ با صدور اطلاعیه‌ای قول داد که سهمیه کالاهای جیره‌بندی بیشتر شده و مقدار آن در همه مناطق به یک اندازه مساوی معین گردد، اما این تصمیم تنها در تهران به صورت کامل اجرا شد و در شهرستان‌ها همان بی‌نظمی‌ها و تبعیض‌های قبلی ادامه پیدا کرد و مقدار سهمیه کمتری در میان اهالی توزیع شد. حتی در برخی مناطق به خصوص در روستاها و شهرهای کوچک دورافتاده همین مقدار کم را هم توزیع نکردند. مثلاً در هفت ماه اول سال ۱۳۲۴ که جنگ در بسیاری از جبهه‌ها پایان یافته و بر مقدار کالاهای اساسی موجود افزوده شده بود، هیچ نوع قند و شکر سهمیه‌ای بین مردم اندیمشک و دزفول پخش نشده بود و دفترچه‌های جیره‌بندی بدون استفاده در دست اهالی باقی مانده بود (اطلاعات، ۱۳۲۴/۷/۲۶: ۴ و ۱۳۲۴/۷/۲۸: ۴).

در جیره‌بندی کالا مانند بسیاری از موارد دیگر، بیشترین تبعیض در مورد روستاییان و عشایر اعمال شد. آنها که خودشان تهیه کننده بسیاری از مایحتاج افراد جامعه بودند، اکنون در این شرایط بحرانی، مورد بی‌توجهی قرار گرفته بودند. دولت نه تنها مزایایی به آنها قائل

نشده، بلکه مردم شهرها را نسبت به آنها برتری می‌داد. مثلاً در جیره‌بندی قند و شکر، در حالی که برای مردم شهر ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ گرم قند و شکر در هر ماه داده می‌شد، در بسیاری از روستاها فقط ۴۰۰ گرم شکر نامرغوب می‌دادند. توزیع آن هم طوری بود که به قسمت اعظمی از روستاییان نمی‌رسید، طوری که اغلب آنها یکی دو سال بعد از شروع جیره‌بندی، هنوز هیچ کالای سهمیه‌ای دریافت نکرده بودند (روزنامه اصفهان، ۱۳۲۲/۲/۵: ۳؛ ساکما، ۱۳۴۸۹/۱۳/۲۶، ۱۳۲۲/۶/۲۶: ۱۷) مثلاً در اصفهان از ۱۳۰ روستای فریدن فقط به ۹ روستا کوپن داده شده بود (ساکما، ۱۳۲۲/۱۱/۳: ۹۷/۲۶۰/۱۹۵؛ ۱۳۲۲/۱۱/۳: ۷) هر چند میلسپو رئیس کل دارایی در تاریخ ۲۷ بهمن ۱۳۲۲ با صدور بخشنامه‌ای به کلیه ادارات دارایی شهرستان‌ها، دستور داد «برای توزیع قماش و قند و چای بین اهالی و بالخصوص اهالی دهات و ایلات از روی سرعت و امانت و نصفت» اقدام کنند (اطلاعات، ۱۳۲۲/۱۱/۲۷: ۱) اما این دستور به دلیل اهمال متصدیان امور و کمبود کالاهای جیره‌بندی، در اجرا با مشکل مواجه شد و اهالی روستاها و عشایر همچنان در سختی باقی ماندند (ساکما، ۱۳۲۲/۱۲/۲۱، ۲۶۰/۲۱۷، ۱۳۲۲/۱۲/۲۱: ۴). طوری که در دهستان‌های قوچان در خرداد ماه ۱۳۲۳ برای اولین بار قند و شکر پخش شد (اصلاعات، ۱۳۲۳/۳/۱۳: ۴) و در برخی از روستاها حتی تا اواخر جنگ کوپن توزیع نشد و اگر گاهی کالای سهمیه‌ای به آنها داده می‌شد، نام و شماره شناسنامه آنها را می‌نوشتند و مقداری قند و شکر در اختیار آنها قرار می‌دادند (ساکما، ۱۰۵۸، ۹۷/۲۹۶، ۱۳۲۴/۴/۱۵: ۱۲). البته در مواقع زیادی بنا به دستور دولت، به روستاییان فاقد کوپن هیچ کالای سهمیه‌ای تعلق نمی‌گرفت (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۰۰۵۸، ۱۳۲۳/۶/۵: ۱۰) یکی از نمایندگان مجلس درباره وضعیت جیره‌بندی در روستاها می‌گوید: «به تصدیق تمام آقایان نمایندگان محترم و بتصدیق همه افراد این کشور متأسفانه در اکثر بلکه در همه دهات این کشور قند و شکر و قماش توزیع نشده است» (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۴، جلسه ۵۰)

اگر چه برخی از این بی‌نظمی‌ها و بی‌عدالتی‌ها در توزیع قند و شکر کوپنی در بین افراد جامعه، به کمبود تولید و کاهش واردات کالا در شرایط جنگی و کمبود وسایل حمل و نقل مربوط می‌شد، اما واقعیت این است که نوع نگاه دولت به روستاییان که آنها را تنها به چشم مودیان مالیات و تأمین‌کنندگان بسیاری از کالاهای اساسی جامعه می‌نگریست که هیچ حقی بر گردن دولت نداشتند و بر خلاف مردم شهر، اگر توجهی به آنها صورت نمی‌گرفت و

حقشان ضایع می شد اعتراض یا شورشی نمی کردند، در این رفتار تبعیض آمیز دولت تأثیر داشت.

۲.۳. تقلب و سوء استفاده در توزیع کوپن و کالا

یکی از مهمترین مشکلات جیره بندی، تقلب و سوء استفاده هایی بود که از طرف عاملین توزیع کوپن و کالا، دلالتان و برخی مردم عادی صورت می گرفت. این تقلب ها آنچنان زیاد بود که در مواقعی، کار جیره بندی را به کلی مختل می کرد. مثلاً در اولین دوره توزیع کوپن به دلیل تقلب هایی که صورت گرفت دولت با صدور اطلاعیه زیر مجبور به باطل نمودن کوپن های توزیع شده و پخش کوپن های جدید با شکل و شمایل متفاوت نمود: «چون عده ای به منظور سوء استفاده، کوپن های تقلبی که شبیه اوراق اصلی است منتشر کرده اند لذا وزارت دارایی درصدد برآمده کوپن های فعلی را باطل و کوپن های تازه ای روی مقوا با طرز مخصوصی چاپ و تهیه کند.» (اطلاعات، ۱۳۲۰/۸/۲۹: ۳)

خرید و فروش کوپن یکی دیگر از تقلب ها و سوء استفاده های رایج بود. با توجه به اینکه در اوایل دوره جیره بندی، کوپن را بر اساس شناسنامه افراد توزیع می کردند، عده ای با استفاده از شناسنامه های جعلی و شناسنامه افراد فوت شده اقدام به دریافت کوپن های اضافی نموده و آن را به دلالتان می فروختند. این کار از زمانی که هنوز توزیع اولین دفعه کوپن تمام نشده بود، شروع شد و تا آخر جنگ ادامه داشت (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۲۱۶) حتی تغییر مبنای توزیع کوپن از شناسنامه به حضور فرد و نوشتن نام و مشخصات صاحب کوپن بر روی آن نیز نتوانست مشکل خرید و فروش و جعل کوپن را به طور کلی حل نماید. دلالتان با استفاده از کوپن های خریداری شده، مقدار زیادی اجناس سهمیه ای به دست آورده و با فروش آن در بازار آزاد به چندین برابر قیمت، سود هنگفتی به دست می آوردند (اسکرین، ۱۳۶۳: ۲۹۴) در بسیاری از مواقع این تقلبات توسط مأموران دولتی و عاملین پخش کالا یا با همدستی آنها صورت می گرفت. برخی از مأمورین دولت به جای تقسیم عادلانه کوپن و مراقبت در این امر حیاتی، مواد جیره بندی شده را در هنگام توزیع، به بهای دولتی از عاملین فروش گرفته و در بازار آزاد به چندین برابر می - فروختند (اطلاعات، ۱۳۲۱/۳/۱۸: ۱) همین امر باعث ایجاد بازار سیاه کالاهای انحصاری و دو نرخی شدن این کالاها در ایران شده بود. برخی از مأمورین نیز به بهانه های متعددی کوپن افراد را تحویل نمی دادند و آن را به دیگران می فروختند (ساکما، ۱۳۷۴/۲۹۳/۹۷،

۱۸/۹/۱۳۲۴: ۴). در مواردی، علی‌رغم موجود بودن کالا، به دارندگان کوپن اعلام می‌کردند که جنس تمام شده است و بعد از رفتن آنها، اجناس سهمیه‌ای را در بازار آزاد به فروش می‌رساندند (ساکما، ۱۳۴۸۹/۲۴۰، ۱۳۲۲/۳/۴: ۱۸). برخی از آنها از ناآگاهی مردم سوء-استفاده کرده و در هنگام تحویل کالا، مبلغ زیادی را به نفع خود دریافت می‌کردند و برخی نیز از ۵ برگه کتابچه جیره‌بندی، یک برگ را می‌کندند و کتابچه ۴ برگه‌ای به مردم تحویل می‌دادند (اطلاعات، ۱۳۲۳/۲/۶: ۴). اینها نمونه‌هایی از روش‌های تقلب و سوءاستفاده عاملان پخش، دلالان و مردم عادی بود که امر جیره‌بندی و توزیع کالا را با مشکلات اساسی روبه‌رو می‌کرد.

۳.۳ کمبود کالا و توزیع اجناس بی‌کیفیت در برابر کوپن

دلیل اصلی جیره‌بندی کالا در جنگ جهانی دوم، کمبود کالاهای اساسی مورد نیاز مردم بود و دولت می‌خواست با این روش، کالاهای موجود را به مقدار مساوی و با قیمتی متعادل میان همه افراد جامعه تقسیم کند. اما احتکار و قاچاق کالا توسط افراد سودجو، کاهش تولید و واردات کالا به خاطر شرایط جنگی، کمبود وسایل حمل و نقل، کمبود بارش و بروز خشکسالی در مناطق مختلف ایران به خصوص در سال ۱۳۲۱، خرید و مصرف کالا توسط سربازان متفقین و اسیران لهستانی حاضر در ایران و ناتوانی دولت‌های ناپایدار و ضعیف ایران در حل بحران‌های سیاسی و اقتصادی موجود، باعث شد، مشکل کمبود کالاهای اساسی لاینحل باقی بماند (ایران در اشغال متفقین، ۱۳۷۱: ۳۵۵-۳۵۶) و حتی دولت از تحویل جیره ناچیز ماهانه افراد نیز عاجز باشد؛ طوری که در مناطق مختلفی، کوپن در بین مردم توزیع می‌شد اما تا مدتهای مدیدی هیچ کالایی در مقابل آن پخش نمی‌شد. مثلاً در تمام شهرستان‌های فارس و کرمان در مدت ۵ ماه یک گرم قند و شکر توزیع نکرده بودند (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۲۱۸). حتی در پایتخت که وضعیت پخش کالا بهتر از جاهای دیگر بود، شکری که به عطاری‌ها برای توزیع می‌دادند، در ظرف یک ساعت تمام می‌شد و عده‌ای همه روزه کوپن‌ها را برده و دست خالی برمی‌گشتند (اطلاعات، ۱۳۲۰/۸/۱۸: ۳).

در جاهایی نیز که کالاهای سهمیه‌ای پخش می‌شد، مقدار جیره معمولاً کمتر از میزان مصرف خانوار بود. در اغلب شهرستان‌ها مقدار سهمیه هر فرد ۴۰۰ تا ۵۰۰ گرم بود. اگر کسی مهمانی داشت یا مراسم ختمی برگزار می‌کرد، هیچ جیره اضافی به او نمی‌دادند، تنها

به کسانی که مراسم عقد یا عروسی داشتند، با ارائه مدارک لازم، سه کیلو قند و سه کیلو شکر داده می‌شد. توجیه دولت این بود که هدف از جیره‌بندی این است که هر کالایی با بهای حقیقی حتی‌الامکان به مصرف ضروری خودش برسد، در حالی که مهمانی مصرف ضروری نیست و برای مجالس ترحیم هم که در مساجد برگزار می‌شود، نیازی به چایی نیست. اما اگر کسی بخواهد در این موارد به مهمانان خودش چایی بدهد، باید قند مورد نیاز را از بازار آزاد تهیه کند. در مورد مراسم عقد و عروسی نیز سه کلو برای مصرف حدود ۳۰ مهمان کافی است و اگر کسی مهمان اضافه داشته باشد، باید از بازار با نرخ آزاد بخرد (طلاعات، ۱۳۲۰/۱۰/۲۷: ۳). این موضوع نشان می‌دهد که دولت از بازار آزاد خبر داشت و خودش مردم را به خرید از آن تشویق می‌کرد تا بخشی از قند و شکری سهمیه‌ای را که از طریق عاملان و ماموران خودش یا به هر طریق دیگری وارد این بازارها شده بود، به مردم بفروشد و از آن طریق منابعی برای خود و اطرافیان تهیه کند.

کم بودن میزان سهمیه کالاهای جیره‌بندی شده باعث می‌شد مردم برای جبران کسری خود برگ‌های شناسنامه زیاده‌تر از عده افراد خانواده تهیه نمایند و از این طریق کوپن بیشتری دریافت کنند یا از دلال‌ها، کوپن خریداری کنند و یا اینکه کمبود کالاهای مورد نیاز خود را از بازار آزاد، با چندین برابر قیمت دولتی تهیه نمایند. در واقع، کم بودن میزان سهمیه و توزیع نامنظم کالا، از عوامل بروز تقلب و سوءاستفاده بود. هر چند در سال‌های بعد با رفع خشکسالی و ورود کالاهای بیشتر از خارج، وضعیت تا حدودی بهتر شد اما وجود اختلافات شدید سیاسی و عدم مدیریت صحیح و وجود فساد گسترده باعث شد که موضوع جیره‌بندی و تأمین مایحتاج زندگی مردم مورد کم‌توجهی قرار گیرد و چندان پیشرفتی در آن به وجود نیاید.

۴.۳ اختلافات سیاسی و بی‌ثباتی دولت‌ها

شاید بزرگترین مانع و مشکل هر برنامه‌ای که در شرایط آن روز کشور می‌خواست اجرا شود، اختلافات شدید سیاسی بین نیروهای رها شده از بند استبداد رضاشاهی بود که هر کدام می‌خواستند از این میراث، سهم بیشتری نصیب خود کنند. در چنان شرایط حساسی که متفقین کشور را به اشغال خود درآورده بودند، نیروهای داخلی به جای وحدت و یکپارچگی که لازمه چنین وضعیتی برای حل مشکلات بود، به شدیدترین صورت ممکن به رقابت و درگیری با یکدیگر می‌پرداختند و در برابر برنامه‌های یکدیگر کارشکنی می‌-

کردند. دولت، مجلس و دربار، سه ضلع مثلثی بودند که با یکدیگر بر سر قدرت رقابت داشتند. سفارتخانه‌های متفقین نیز که قدرتی فراتر از هر یک از گروه‌های سه گانه داشتند، از فرصت سوءاستفاده کرده و با فشار به دولت و مجلس، خواسته‌های خود را به کرسی می‌نشانند. مطبوعات نیز از آزادی به وجود آمده سوءاستفاده کرده و به سخنگوی احزاب و گروه‌های مختلف برای تاختن حریف تبدیل شده بودند (عظیمی، ۱۳۷۲: ۶۳-۶۴؛ آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۵۳). نتیجه چنین شرایطی به وجود آمدن دولت‌های ضعیف، بی‌ثبات و کوتاه مدتی بود که توانایی تهیه و اجرای برنامه مدون و اصولی را نداشتند. در آن زمان عمر دولت‌ها از چند ماه و گاه از چند روز تجاوز نمی‌کرد. بخش زیادی از این مدت کوتاه نیز به تشکیل کابینه و گرفتن رأی اعتماد از مجلس، استیضاع نخست‌وزیر و وزرا می‌گذشت. در چنان شرایطی، اجرای برنامه جیره‌بندی که بتواند با وجود کمبودها و مشکلات اقتصادی و سیاسی موجود، مشکلات معیشتی مردم را حل نماید، از عهده هیچ کدام از دولت‌ها برنمی‌آمد. هر کدام از آنها در زمان تشکیل کابینه و ارائه برنامه خود به مجلس، اجرای صحیح جیره‌بندی و تأمین مایحتاج ضروری زندگی مردم را از اولویت‌های برنامه خود معرفی می‌کردند اما در مدت کوتاه زمامداری خود نمی‌توانستند یا نمی‌خواستند کاری انجام دهند و عمر دولتشان به سر می‌آمد. به همین دلیل مشکلات موجود به صورت حل نشده باقی می‌ماند. این وضعیت نه تنها با گذشت زمان بهتر نشد بلکه با افتتاح مجلس چهاردهم در اوایل سال ۱۳۲۳ بدتر نیز شد (میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۲۰-۱۲۳).

۴. ارزیابی تدابیر دولت برای حل مشکلات جیره‌بندی

در جنگ جهانی دوم، دولت تدابیر مختلفی برای تأمین کالاهای اساسی و توزیع عادلانه آنها در بین مردم به کار گرفت. در ادامه، تدابیر و اقدامات دولت برای جیره‌بندی و توزیع کوپنی کالا مطرح و میزان موفقیت دولت در حل مشکلات و رسیدن به اهداف تعیین شده، مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱.۴ استخدام مستشاران خارجی

یک سال بعد از ورود متفقین به ایران و در حالی که مشکلات سیاسی و اقتصادی ناشی از جنگ، لاینحل باقی مانده بود، مجلس سیزدهم و نخست‌وزیر قوام، راه حل نجات کشور از

فقر و گرسنگی را در استخدام مستشاران آمریکایی دانستند. در همین راستا، شریدان آمریکایی در ۱۲ شهریور ۱۳۲۱ به مدت سه سال، به عنوان متخصص جیره‌بندی استخدام شد. دو ماه بعد، در ۲۱ آبان ۱۳۲۱ لایحه استخدام هموطنش، دکتر میلپو برای مدت پنج سال، در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. او دو ماه بعد، و در حالی که حادثه ۱۷ آذر تازه سپری شده بود، وارد ایران شد و از دوازدهم بهمن ماه، به عنوان رئیس کل دارائی ایران، کارش را شروع کرد. میلپو با تصویب وزیر دارائی، اختیار تام در تنظیم بودجه کل کشور، تجدید سازمان وزارت دارائی و سایر دوایر وابسته، استخدام مستشار، ترفیع و تنزیل رتبه کارمندان و انتقال و معافیت از خدمت در مورد آنها را به دست آورد (میلپو، ۱۳۷۰: ۷۷). اما او به این اختیارات قانع نشد، طوری که مجلس با تصویب لایحه‌ای در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۲، بر خلاف قانون اساسی، به او حق قانونگذاری نیز داد. مطابق قانون اختیارات، میلپو برای واردات و صادرات اجناس غیر خوارباری و کلیه مواد خام و مصنوعات، انبار کردن، حمل و نقل و توزیع آنها، صدور پروانه تولید و فروش، انتشار کوپن، تثبیت بهای اجناس و توزیع عادلانه آنها، ضبط اجناس در برابر قیمت عادلانه، تعیین مال‌الاجاره و دستمزد کلیه کارها و خدمات می‌توانست مقرراتی وضع کند که حکم قانون را داشت (میلپو، ۱۳۷۰: ۱۳۷).

میلپو در طول حدوداً دو سال حضور خود در ایران، اقداماتی را برای حل مشکلات اقتصادی کشور از جمله موضوع جیره‌بندی و توزیع کوپن انجام داد. او با صدور بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌هایی، جیره‌بندی و انحصار خرید و فروش بسیاری از کالاها را برقرار کرد و با تشکیل ادارات مختلفی مانند اداره تثبیت قیمت‌ها، اداره خواربار، اداره حمل و نقل و اداره پخش و انتصاب یک نفر آمریکایی در رأس هر کدام از این ادارات و سازمان‌ها، همه امور اقتصادی کشور را به دست گرفت (ساکما، ۱۳۷۰/۰۲۴۰، ۱۳۲۲/۱۰/۱۹، ۲ و ۱۳۲۲/۲/۲۰، ۲۴۰/۸۲۸۷۵: ۴). او برای تأمین منابع مالی برنامه‌هایش، به دریافت وام و تخصیص اعتبارات اضافی، افزایش قیمت اجناس جیره‌بندی، تغییر بودجه کشور و تصویب قانون مالیات بر درآمد اقدام کرد.

میلپو به ادعای خودش، با انجام این اقدامات و سایر تدابیری که به کار برد، تا حدودی به بهبود شرایط اقتصادی ایران کمک کرد طوری که توزیع کالاهای انحصاری نظم و ترتیب بهتری پیدا کرد و با قیمت معین و ثابتی به همه مردم، از جمله روستاییان و عشایر رسید. وضع جمع‌آوری غله و تأمین خواربار به صورت بهتری درآمد و کشور دیگر مواجه

با گرسنگی و بلوای نان نشد. حمل و نقل به صورت نسبتاً رضایت‌بخشی اداره شد. رشوه-خواری سابق که به ترقی قیمت‌ها کمک می‌کرد، به حد محسوسی تقلیل یافت و روابط بهتری با متفقین برای ورود کالاهای اساسی و حمل و نقل غله و اجناس برقرار شد (ستاره، شماره ۱۸۵۳: ۱۳۲۳/۵/۲۱: ۱). وی همچنین خود را ضامن استقلال ایران و برقرارکننده ثبات اقتصادی خواند و تهدید کرد چنانچه قانون مصوب اردیبهشت ۱۳۲۲ لغو یا اصلاح و تعدیل گردد هیچ‌گونه مسئولیت نتایج ناشی از چنان اقدامی را که بدون شک به ترقی قیمت‌ها، ایجاد هزینه‌های زیاد و قطع کمک‌های متفقین و سهمیه ایران در کمیته خاورمیانه منجر خواهد شد، به عهده نخواهد گرفت (اطلاعات، ۱۳۲۳/۹/۲۷: ۴).

در مورد درستی ادعاهای میلسپو چند نکته را باید در نظر داشت: ۱- بهبود وضعیت خواربار و توزیع کالا در دوره حضور او در ایران، تنها متأثر از تدابیر و اقدامات او نبود. زیرا از سال ۱۳۲۲ به بعد، اولاً میزان بارندگی و محصول به دست آمده نسبت به دو سال قبل بسیار خوب بود. ثانیاً، متفقین با ملاحظه حادثه ۱۷ آذر ۱۳۲۱ و برای جلوگیری از وقوع چنین حوادثی که موجب هرج و مرج و ناامنی می‌شد، واردات غله و خواربار به ایران را افزایش دادند (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۲۷۹؛ ایران در اشغال متفقین، ۱۳۷۱: ۳۰۳). این واردات که قسمتی از آن به عنوان سهمیه ایران از کمیته خواربار خاورمیانه محسوب می‌شد، نه فقط در دوره میلسپو، بلکه در دوره بعد از لغو اختیارات او در ۱۸ دی ۱۳۲۳ و استعفای ایشان در ۱۶ بهمن همان سال، همچنان ادامه داشت و بر خلاف ادعای میلسپو، با رفتن او قطع نشد. ثالثاً، چند ماه آخر حضور میلسپو در ایران با اخبار پیروزی متفقین و پایان قریب‌الوقوع جنگ مصادف شده بود که باعث ایجاد ثبات در جامعه، افزایش عرضه کالا و تنزل قیمت‌ها شد و این بهبود شرایط هیچ ربطی به حضور یا عدم حضور میلسپو نداشت. و چهارم اینکه بعد از رفتن میلسپو، هیچ کدام از پیش‌بینی‌های تهدیدآمیز او در مورد ترقی قیمت‌ها، افزایش هزینه‌ها، قطع شدن واردات کالا به ایران از سوی متفقین و نابسامانی شدید در توزیع کوپن و کالا اتفاق نیفتاد.

۲- مشکلات اقتصادی کشور در اثر سیاست‌ها و اقدامات میلسپو، آنچنان که او ادعا می‌کرد، کاملاً مرتفع نگردید. این موضوع نه تنها از طرف بولارد سفیر کبیر بریتانیا در ایران مورد تأکید قرار گرفته (بولارد و اسکرین، ۱۳۶۳: ۹۲)، بلکه خود میلسپو نیز در مواقعی تلویحاً به برخی از ناکامی‌هایش اشاره کرده، اما دلیل آنها را همچون برخی از مدافعانش، تقلب مأموران ایرانی، کارشکنی افرادی که دستشان از کارهای دولتی و سوءاستفاده‌های

قبلی کوتاه شده بود، عدم پشتیبانی وزارت خارجه آمریکا و نمایندگانش در تهران، دشمنی آشتی ناپذیر روسها و عمال آنها و مطبوعات حزب توده می‌داند (میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۹۰-۱۹۴؛ ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۷۱-۱۷۴) اما در کنار همه این مسائل، باید اذعان نمود که برخی از تصمیمات و سیاست‌های اشتباه میلسپو در بروز و تداوم مشکلات اقتصادی نقش داشت که از جمله آنها می‌توان به عدم استفاده از چند هزار تن سهمیه کالاهای مربوط به سال ۱۹۴۳ و شش ماهه اول ۱۹۴۴ که برابر قانون وام و اجاره دولت آمریکا به دولت‌های دوست و متحد در خاورمیانه از جمله ایران تعلق می‌گرفت، اشاره کرد (عصر اقتصاد، شماره ۱۹: ۱۳۲۳/۴/۱۵؛ رهبر، شماره ۲۷۲: ۱۳۲۳/۲/۷: ۱)

۳- بر خلاف ادعای میلسپو، در زمان حضور او در ایران نه تنها قیمت‌ها تثبیت نشد بلکه در طول دو سال قیمت قند در بازار آزاد از ۸ تومان برای هر من به ۵۰ تومان رسید (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۴، جلسه ۱۷). در شهرستان‌ها، بخصوص دهات قند و شکر به آن قیمتی که دولت تعیین کرده بود، به دست مردم نرسید و در شهرستان‌های فارس و کرمان و بسیاری از مناطق دیگر چندین ماه قند و شکر بین مردم توزیع نشد. وزیر بازرگانی و پیشه و هنر در مقابل سوال نمایندگان به وجود چنین نقایصی در زمان او در ایران صحه می‌گذارد:

بنده خودم هم تصدیق میکنم دولت هم تصدیق میکند که توزیع اجناس جیره‌بندی کمال نقص را واقعا در بردارد میفرمائید در بعضی نقاط قند و پارچه داده نشد است بنده تصدیق میکنم و همانطور است که میفرمائید رئیس کل دارائی [میلسپو] و وزیر دارائی هم اذعان دارند که این نقص موجود است (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۴، جلسه ۲۱۸).

بنابراین می‌توان گفت تدبیر دولت در استخدام میلسپو و مستشاران خارجی برای سر و سامان دادن به مشکلات اقتصادی، از جمله جیره‌بندی و توزیع کوپنی کالا با موفقیت همراه نبوده است و نه تنها بسیاری از مشکلات جیره‌بندی در زمان حضور میلسپو و دیگر مستشاران آمریکایی در ایران، همچنان باقی ماند، بلکه پرداخت حقوق آنها بر هزینه‌های کشور در آن شرایط بحرانی افزود.

۲.۴ تصویب و صدور آیین‌نامه‌ها و قوانین بازدارنده

دولت برای اجرای صحیح جیره‌بندی و مقابله با تخلف و سوءاستفاده کسانی که با احتکار، قاچاق، گرانفروشی، خرید و فروش کوپن و یا هر نوع تخلف دیگری باعث اختلال در امور اقتصادی می‌شدند، آیین‌نامه‌ها و قوانین زیادی را در جلسه هیئت دولت یا مجلس شورای ملی به تصویب رساند. یکی از اولین و مهمترین این قوانین، قانون منع احتکار بود که در ۲۷ اسفند ۱۳۲۰ به تصویب مجلس رسید. اما این قانون نتوانست جلوی افراد متقلب را بگیرد، تا جایی که چند ماه بعد و در تابستان ۱۳۲۱ احتکار و قاچاق مهمترین علت گرانی و کمیابی خواربار اعلام شد (اطلاعات، ۱۳۲۱/۴/۱۹: ۱) برای مقابله با وضعیت موجود قوام با صدور بخشنامه تهدیدآمیزی خطاب به استانداران و فرمانداران اعلام کرد که دولت ناگزیر است در این امر حیاتی با تمام وسایلی که در اختیار دارد اقدام نموده و برای تامین آسایش عمومی، محتکرین را شدیداً مجازات و حتی تا اعدام هم در این راه برود (اطلاعات، ۱۳۲۱/۶/۱۰: ۱) اما این تهدیدها و کیفر برخی از محتکران و گرانفروشان نیز نتوانست جلوی سوءاستفاده متخلفان را بگیرد و این وضعیت در سال‌های بعد همچنان ادامه یافت. یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت دولت در مقابله با فساد اقتصادی این بود که مأمورین دولتی خودشان در بسیاری از این تخلفات سهیم بودند و با دریافت رشوه، متخلفان را در انجام کارهای خلاف همراهی می‌کردند (فرخ، ۱۳۴۸: ۵۲۰ و ۵۴۳: ساکما، ۱۳۸۵/۰۸/۲۴: ۳). عاملان پخش کالاها با اینکه در ابتدا با عقد قراردادی با اداره خواربار تعهد می‌دادند که سهمیه متعلق به حوزه تحت نظر خود را از اداره تحویل گرفته و در ازای کوپن افراد به آنها تحویل دهند و در صورت تخلف و کسری در کالا، آن را با پول خود از بازار آزاد تهیه کرده و جبران کنند. حتی مبلغی را هم به عنوان سپرده در صندوق اداره خواربار می‌گذاشتند که در صورت تخلف، اداره خواربار بتواند از آن برای جبران خسارت استفاده کند (ساکما، ۱۳۹۵/۲۶۰/۹۷، ۱۳۲۲/۴/۲: ۸)، اما چون نظارت دقیقی وجود نداشت، عاملان پخش سهمیه عده‌ای را به بهانه‌های مختلف تحویل نمی‌دادند و آن را به قیمت گزاف در بازار آزاد می‌فروختند.

مشکل دیگر این بود که قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به میزان و نحوه توزیع قند و شکر، در سراسر کشور یکسان و ثابت نبود، حتی ادارات و سازمان‌های مسئول جیره‌بندی و عاملان توزیع کوپن و کالا مدام در حال تغییر بودند و روال ثابت و یکسانی در همه مناطق کشور وجود نداشت. توزیع کوپن ابتدا بر اساس شناسنامه انجام می‌شد که به خاطر سوء

استفاده از شناسنامه افراد فوت شده و جعلی متوقف شد. سپس بر طبق حضور شخص، کوپن توزیع کردند اما در این روش نیز برخی افراد به علت عدم حضور در خانه در زمان مراجعه مأمور توزیع نمی‌توانستند کوپن دریافت کنند. در مواردی نیز مأمور عمداً به برخی از مناطق مراجعه نمی‌کرد و کوپن آنها را در بازار آزاد می‌فروخت (مکی، ۱۳۶۳: ۸/۲۷۰). شکل و طرح کوپن هم به دلیل جعل کوپن‌های تقلبی بارها تغییر کرد. ابتدا در روی کاغذ، سپس مقوا و در نهایت دفترچه جیره‌بندی چاپ شد. در واقع دولت در طراحی کوپن‌ها چنان ضعیف عمل می‌کرد که قبل از اتمام توزیع اولین دفعه کوپن، متخلفان آن را جعل می‌کردند. در مورد میزان سهمیه ماهانه افراد نیز رویه ثابتی وجود نداشت. در نتیجه، مردم نمی‌توانستند برای تأمین نیازهای اساسی خود برنامه‌ریزی دقیقی داشته باشند. میزان سهمیه افراد در تهران بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ گرم در حال تغییر بود. در شهرستان‌ها وضعیت از این هم بدتر بود و در هر شهر و منطقه‌ای میزان و مقدار متفاوتی برقرار بود. نوع کالای عرضه شده نیز در مناطق مختلف متفاوت بود. در تهران قند و شکر سفید، در کرمان ۳۰۰ گرم شکر، شاهپور ۳۰۰ گرم شکر قرمز (اطلاعات، ۱۳۲۲/۷/۳: ۳)، مراغه ۲۰۰ گرم نقل و دو سوم آن نشاسته، بندر گز شکر آب‌دیده و آب‌نبات، اصفهان، شیراز و برخی از مناطق دیگر ۲۰۰ گرم قند و ۲۰۰ گرم شکر می‌دادند و در بعضی از مناطق هیچ کدام از این کالاها داده نمی‌شد یا به جای توزیع ماهانه، چند ماه یک بار به طور نامنظم پخش می‌کردند. مثلاً در شهرضا در طول دو سال فقط چهار بار کوپن توزیع کرده بودند (اطلاعات، ۱۳۲۲/۴/۲۶: ۳).

در مجموع می‌توان گفت دولت قانون و برنامه دقیق، مدون و یکسانی برای سراسر کشور نداشت و مقررات و آیین‌های غیر اصولی و نامنظم موجود نیز در همه جا به یک میزان اجرا نمی‌شد. به این صورت که در پایتخت قوانین و مقررات با دقت بیشتری اجرا می‌شد، اما هر چه از مرکز به سمت مناطق دورافتاده پیش می‌رفت تخلفات بیشتری در اجرای قوانین و مقررات انجام می‌شد و از کمیت و کیفیت کالاهای سهمیه‌ای کاسته می‌شد و به قول یکی از نمایندگان مجلس «در ولایات و شهرستان‌ها و مخصوصاً دهات قند و شکر به آن قیمتی که دولت می‌دهد گیر احادی نمی‌آید» (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۲۱۱) در مناطق دور افتاده، بخصوص در روستاها و عشایر علاوه بر مأموران پخش، عده‌ای از مالکان و کدخدایان و افراد دارای نفوذ از عدم نظارت کافی و مؤثر دولت سوءاستفاده می‌کردند و بر خلاف قوانین و مقررات، بخشی از سهمیه اهالی را برای خود برمی‌داشتند و حیف و میل می‌کردند (ساکما، ۹۷/۲۶۰/۲۰، ۱۳۲۲/۲/۲۵: ۳).

۳.۴ انتشار اسکناس و دریافت وام برای خرید خواربار

یکی از مشکلات اساسی دولت کمبود منابع مالی برای خرید خواربار مورد نیاز مردم بود. دولت که خرید و فروش خواربار را به انحصار خود درآورده بود و می‌خواست آنها را از طریق جیره‌بندی به دست مردم برساند، ابتدا باید پول کافی برای خرید کالاهای مورد نیاز را داشت تا بعداً با توزیع آنها در بین مردم به پول خودش می‌رسید. دولت برای رفع مشکل کمبود منابع مالی به چند اقدام نه چندان موفق دست زد. یکی انتشار پانصد میلیون ریال اسکناس بود که لایحه آن از طرف قوام به مجلس سیزدهم داده شد و بعد از بحث‌های طولانی به تصویب رسید (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۱۳۴). اما همانطور که نمایندگان مخالف نشر اسکناس پیش‌بینی کرده بودند، انتشار اسکناس باعث افزایش نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی و ایجاد تورم شدید در جامعه شد (ایران در جنگ جهانی بزرگ، ۱۳۵۶: ۷۳؛ ایران در اشغال متفقین، ۱۳۷۱: ۴۸۷). اقدام دیگر دریافت وام بود. در اواخر سال ۱۳۲۱ دولت برای تأمین پول مورد نیاز جهت خرید خواربار، اقدام به دریافت وام دویست و پنجاه میلیون ریالی از بانک ملی نمود (اطلاعات، ۱۳۲۱/۱۲/۲۰: ۱) چهار ماه بعد از این تاریخ دولت بار دیگر لایحه تقاضای تصویب چهارصد میلیون ریال اعتبار برای خرید غله را به مجلس برد و در تیر ماه ۱۳۲۲ مذاکره برای دریافت وام پانصد میلیون ریالی از متفقین را آغاز کرد که با بهانه‌ها و شرط و شروط زیادی مواجه شد (اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۲۸۸). در واقع، دولت برای حل مشکلات اقتصادی از روش‌های موقتی انتشار اسکناس و دریافت وام استفاده کرد که نه تنها مشکلات را به صورت ریشه‌ای حل نکرد، بلکه باعث افزایش نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی و تورم شد. یعنی همان نتیجه‌ای که متفقین به دنبال آن بودند. آنها که به مواد غذایی ایران برای مصرف نیروهای خود در ایران و سایر نقاط نیاز داشتند و می‌خواستند این منابع را ارزان به دست بیاورند، با استفاده از سیاست پولی خود به بسط عرضه پول، انتشار افراطی اسکناس، افزایش نرخ برابری لیره استرلینگ از ۶۸ به ۱۴۰ ریال و کاهش بیش از صد در صدی ارزش پول ایران پرداختند (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۱۸۷). نتیجه این سیاست متفقین که دولت نیز دانسته یا نادانسته به اجرای آن کمک کرد، باعث افزایش تورم و بالا رفتن هزینه زندگی خانواده‌ها شد. طبق برآوردی که یکی از پژوهشگران انجام داده است، در طول جنگ جهانی دوم قیمت‌ها در ایران هفت برابر شد (فوران، ۱۳۸۵: ۳۹۷). یکی از مهمترین دلایل چنین تورمی انتشار اسکناس و افزایش نقدینگی در جامعه بود. در حالی که دولت می-

توانست به جای انتشار اسکناس و دریافت وام برای خرید خواربار از خارج، انحصار واردات کالاهای اساسی از جمله قند و شکر را که از زمان رضاشاه وجود داشت و در ماههای اول اشغال ایران نیز ادامه یافت، از همان ابتدا لغو کند و شرایط را برای بازرگانان فراهم کند تا کالاهای مورد نیاز مردم را از خارج وارد کنند و با نظارت دولت به قیمت متعادلی به دست مصرف‌کننده برسانند تا قیمت اجناس در بازار آزاد به صورت افراطی افزایش نمی‌یافت و زمینه برخی از تخلفات نیز به وجود نمی‌آمد.

۴.۴ خرید کالا از متفقین و دریافت سهمیه از کمیته تدارکات خواربار خاورمیانه

از آبان ۱۳۲۰ جیره‌بندی قند و شکر به تدریج شروع شد و تا یک سال بعد بسیاری از کالاهای اساسی مورد نیاز خانواده‌ها به صورت سهمیه‌ای توزیع شد. اما مشکل بزرگ این بود که جنس کافی برای توزیع وجود نداشت و بسیاری از افراد علی‌رغم داشتن کوپن، چندین ماه قند و شکر جیره‌ای دریافت نکرده بودند (اطلاعات، ۱۳۲۲/۸/۲: ۳). در چنین شرایطی یکی از راهکارهای دولت برای تأمین کالاهای اساسی، مذاکره با متفقین و جلب نظر آنها برای ورود مایحتاج ضروری به ایران بود. متفقین که خودشان با اشغال ایران و خرید و انبار کالاهای موجود در بازار، مسبب اصلی بروز چنین وضعیتی شده بودند، حال برای نشان دادن حسن نیت خود و جلوگیری از بروز شورش و هرج و مرج و ناامنی در جامعه که در شرایط آن روز به نفعشان نبود، با ورود مقدار محدودی کالا به ایران موافقت کردند (ساکما، ۳۱۰/۰۰۲۷۹۷، ۱۳۲۱/۱۰/۱: ۶). علاوه بر این، کمیته تدارکات خواربار خاورمیانه که از طرف متفقین برای کمک به تأمین خواربار کشورهای دوست در زمان جنگ تشکیل شده بود، از سال ۱۳۲۲ سهمیه‌ای را برای ایران در نظر گرفت. اما این سهمیه -ها نه تنها در مقایسه با خسارات متفقین به ایران بسیار ناچیز بود، بلکه در اثر اهمال متصدیان وقت دستگاه اقتصادی که عموماً آمریکایی بودند، از تمام سهمیه‌ای که به ایران تخصیص یافته بود استفاده کامل نشد. مثلاً از مقدار سهمیه تخصیص یافته به ایران در زمان حضور میلسپو، متجاوز از چهل و نه هزار تن قند و شکر را وارد نکردند (اطلاعات، ۱۳۲۳/۱۲/۱۲: ۴). در حالی که دولت با ورود این مقدار سهمیه که به اندازه نیمی از قند و شکر مصرفی یک سال کل جمعیت ایران بود و مدیریت توزیع آن، می‌توانست بخشی از مشکلات جیره‌بندی را حل نماید. اما نه تنها این کار به عذر نداشتن پول انجام نشد بلکه

به تجاری هم که با پول خودشان می‌خواستند قند را وارد کنند، اجازه چنین کاری داده نشد (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۴، جلسه ۴۳). بنابراین دولت در امر تأمین کالاهای جیره‌بندی شده برای توزیع در بین مردم نیز موفق عمل نکرد و همین موضوع باعث کمبود کالا و افزایش بهای آن در بازار آزاد شد.

۵.۴ ایجاد فروشگاه‌های دولتی برای توزیع کالا

یکی دیگر از مشکلات جیره‌بندی، کمبود مراکز پخش و توزیع کوپن و کالا بود که باعث ازدحام و بی‌نظمی می‌شد. در ابتدا کوپن را در خانه‌ها پخش می‌کردند. به این صورت که مأموران توزیع به در هر یک از خانه‌ها مراجعه و بعد از مشاهده شناسنامه افراد یا اشخاص حاضر و زنده در خانه، به آنها کوپن قند و شکر می‌دادند. اما بعداً به خاطر بروز مشکلاتی تصمیم گرفته شد شعبه‌ها و مراکزی برای توزیع کوپن در نظر گرفته شود و حتی شماره‌هایی به مردم داده شد تا بر اساس آن هر روز به مراکز پخش مراجعه و کوپن خود را دریافت کنند. اما به خاطر کم بودن تعداد شعب و عدم رعایت نوبت از طرف مراجعه‌کنندگان، چنان بی‌نظمی به وجود می‌آمد که کسی نمی‌توانست کوپن دریافت کند و بعد از صرف ساعت‌ها وقت، بی‌نتیجه به خانه‌های خود برمی‌گشت (اطلاعات، ۱۰/۲۲/۱۳۲۰: ۱). دولت برای حل این مشکلات به چند اقدام دست زد. ۱- کوپن‌های سه ماهه و بعد شش ماهه را جایگزین کوپن‌های ماهانه کرد و به این ترتیب از دفعات پخش کوپن در سال و بی‌نظمی‌های ماهانه کاسته شد. ۲- بر مراکز و شعب توزیع کوپن اضافه کرد. ۳- توزیع کوپن و دفترچه کارمندان وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی را در محل وزارتخانه‌های مربوطه انجام داد و مردم عادی نیز علاوه بر شعب قبلی می‌توانستند به مدارس و دبیرستان‌های محل مراجعه و کوپن دریافت کنند. به این صورت، مشکل توزیع کوپن بعد از آزمایش روش‌های مختلف، تا حدودی رفع شد (اطلاعات، ۱۰/۵/۱۳۲۳: ۱).

مرحله مشکل‌تر بعدی دریافت کالا از مراکز پخش بود. هر چند قند و شکر سهمیه‌ای اغلب از طریق عطاری و خرده‌فروشی‌ها پخش می‌شد و نسبت به پخش سایر کالاهای جیره‌بندی شده مانند قماش و نان مشکل کمتری داشت، اما باز به دلیل کم بودن مراکز توزیع و هجوم یکباره جمعیت برای دریافت سهمیه خود، مشکلات و بی‌نظمی‌های زیادی به وجود می‌آمد. حتی در مناطقی، بخصوص روستاها سقط‌فروشی برای توزیع قند و شکر وجود نداشت و مردم از این جهت در سختی بودند (ساکما، ۹۷/۲۶۰/۴۵۰، ۱۳۲۱/۳/۵: ۱۲).

دولت برای حل این مشکلات در ابتدا بر تعداد شعبه‌ها و مراکز پخش افزود. اما در نهایت، تدبیر اصلی دولت بخصوص در تهران و شهرهای بزرگ ایجاد فروشگاه‌های دولتی بود که در آنها ابتدا کالای کارمندان دولت، بعد کارگران و در نهایت مردم عادی پخش می‌شد. در روستاها نیز از مالکان و کدخدایان برای توزیع کوپن و کالا بهره گرفت. به این ترتیب تا حدودی از میزان بی‌نظمی و شلوغی کاسته شد (اطلاعات، ۱۳۲۳/۱/۱۶: ۱). البته باید توجه داشت که در کنار روش‌های مذکور، افزایش موجودی کالا و کاهش قیمت‌ها نیز که ناشی از افزایش بارندگی، واردات کالا و تسهیل وسایل حمل و نقل در آستانه اتمام جنگ بود، در بهتر و روان شدن توزیع کوپن و کالا در ماههای آخر جنگ جهانی دوم مؤثر بود.

۵. نتیجه‌گیری

اشغال ایران در جنگ جهانی دوم سبب بروز مشکلات اقتصادی فراوانی در جامعه شد. دولت برای مقابله با شرایط بحرانی موجود و تهیه کالاهای اساسی مورد نیاز مردم، اصل جیره‌بندی و توزیع کوپنی کالا را در پیش گرفت تا همه افراد جامعه بتوانند احتیاجات ضروری خویش را با پرداخت بهایی متعادل، مرتفع سازند. دولت برای انجام این کار تدابیر مختلفی نظیر استخدام مستشاران آمریکایی، تصویب و صدور آیین‌نامه‌ها و قوانین بازدارنده، انتشار اسکناس و دریافت وام برای خرید خواربار، خرید کالا از متفقین، دریافت سهمیه از کمیته تدارکات خواربار خاورمیانه و ایجاد فروشگاه‌های دولتی برای توزیع کالا را انجام داد. اما نتوانست به اهداف خود در تهیه و توزیع عادلانه کالاهای اساسی جیره‌بندی شده در میان همه افراد جامعه دست یابد. به طوری که تنها در تهران از همان ابتدای جیره‌بندی و توزیع کوپن در آبان ماه ۱۳۲۰ تا ماههای آخر جنگ جهانی دوم، توزیع قند و شکر سهمیه‌ای به صورت ماهانه و بدون وقفه انجام گرفت، اما در سایر شهرستان‌ها، بخصوص روستاها و مناطق عشایری، پخش کوپن و کالا با بی‌نظمی و اختلال فراوانی انجام شد. حتی در برخی از مناطق در طول دوره چهار سال جنگ تنها یکی دو بار قند و شکر توزیع شد. میزان سهمیه و کیفیت کالاهای توزیع شده در بین تهران و سایر شهرستان‌ها نیز متفاوت بود. در حالی که در تهران در اکثر ماهها ۷۰۰ تا ۸۰۰ گرم و در دو سال آخر ۱۰۰۰ گرم قند و شکر سفید برای هر نفر در ماه پخش می‌کردند، در شهرستان‌ها میزان سهمیه از ۲۵۰ تا ۸۰۰ گرم در حال تغییر بود. البته در غالب اوقات در بسیاری از شهرهای بزرگ ۲۰۰ گرم قند و ۲۰۰ گرم شکر توزیع می‌کردند و در برخی مناطق دور افتاده و روستاها تنها چند صد

گرم شکر قرمز، آب نبات و نشاسته، آن هم با چند ماه تأخیر پخش می‌کردند. توزیع نامنظم و بی‌قاعده کالاهای جیره‌بندی شده نه تنها نیازهای ضروری افراد جامعه را مرتفع نساخت بلکه باعث ایجاد فقر و بی‌عدالتی اجتماعی و تورم شدید اقتصادی شد طوری که قیمت قند از ۷ تومان برای هر من در آغاز اشغال ایران توسط متفقین به ۵۰ تومان در انتهای جنگ رسید. ناتوانی دولت در اجرای صحیح جیره‌بندی موجب شد بسیاری از عاملان پخش و دلالت از ناآگاهی مردم و عدم نظارت دولت سوءاستفاده کنند و قند و شکر سهمیه‌ای دیگران را با قیمت دولتی دریافت کرده و در بازار آزاد به چندین برابر بفروشند. در واقع، تشکیل بازار سیاه قند و شکر در مناطق مختلف کشور، در حالی که خرید و فروش این کالاها بر طبق قانون در انحصار دولت بود، نتیجه همین سوءاستفاده از اجرای نادرست جیره‌بندی و توزیع کوپنی کالا بود.

در مورد دلایل عدم موفقیت دولت در امر جیره‌بندی موارد متعددی را می‌توان مطرح کرد که بخشی از آنها خارج از کنترل دولت بود، اما بخشی به عدم لیاقت و بی‌کفایتی دولت مربوط می‌شد. به طور مثال، دولت می‌توانست با افزایش قیمت خرید چغندر، کشاورزان را به کاشت و تولید بیشتر این محصول ترغیب کند و بخش زیادی از نیاز کشور به قند و شکر را از طریق کارخانه‌های قند داخلی جبران کند. اما نه تنها این کار را نکرد بلکه با پایین نگه داشتن قیمت چغندر، آن هم در حالی که قیمت سایر اجناس چندین برابر افزایش یافته بود، انگیزه کشاورزان برای کاشت چغندر را از بین برد، طوری که در سال ۱۳۲۱ تولید چغندر به یک چهارم سال قبل کاهش پیدا کرد. علاوه بر این، دولت می‌توانست زمینه را برای واردات قند و شکر از خارج توسط بازرگان و بخش خصوصی فراهم کند تا آنها تحت کنترل و نظارت دولت، کالا را وارد و بین مردم توزیع کنند. اما دولت در این زمینه نیز کوتاهی کرد. همچنین دولت می‌توانست با لغو مالیات سه درصدی قند و شکر، بخشی از فشار اقتصادی را از روی افراد فقیر جامعه بردارد و به جای آن مالیات‌های جدیدی بر کالاهای مصرفی طبقات بالای اجتماعی وضع نماید. اما دولت هیچ کدام از این امور را انجام نداد، یا شاید به دلیل وجود برخی مشکلات نتوانست انجام دهد. از جمله این موانع و مشکلات می‌توان به سوءاستفاده برخی از عاملان توزیع کوپن و کالا، تولید کوپن‌های تقلبی، خرید و فروش کوپن توسط دلالت و سودجویان، به وجود آمدن بازار سیاه محصولات انحصاری و جیره‌بندی شده، احتکار و قاچاق کالا، کمبود کالا برای توزیع، خرید و انبار کالا توسط متفقین، کمبود وسایل حمل و نقل و اختلافات سیاسی بین مجلس،

دولت، دربار و سفارتخانه‌های متفقین اشاره کرد. در مجموع می‌توان گفت دولت به دلیل بی‌لیاقتی، مهیا نبودن شرایط و وجود برخی موانع و مشکلات، نتوانست در امر جیره‌بندی و توزیع کوپن و کالا، عملکرد موفق‌تری داشته باشد.

شیوه ارجاع به این مقاله

بختیاری، محمد (۱۳۹۹)، «بررسی عملکرد دولت ایران در جیره‌بندی کالا و توزیع کوپن در جنگ جهانی دوم (مطالعه موردی: قند و شکر)»، دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی تحقیقات تاریخی/اجتماعی، س ۱۰، ش ۱.

doi: 10.30465/shc.2020.28338.2010

کتاب‌نامه

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۷۷۴۸، ۱۳۲۱/۲/۱۸: ۲۷.
- ساکما، ۹۷/۲۶۰/۴۵۰، ۱۳۲۱/۳/۵: ۱۲.
- ساکما، ۹۷/۲۶۰/۴۵۰، ۱۳۲۱/۷/۴: ۴.
- ساکما، ۳۱۰/۰۰۲۷۹۷، ۱۳۲۱/۱۰/۱: ۶.
- ساکما، ۲۴۰/۸۲۸۷۵، ۱۳۲۲/۲/۲۰: ۴.
- ساکما، ۹۷/۲۶۰/۲۰، ۱۳۲۲/۲/۲۵: ۳.
- ساکما، ۹۷/۲۶۰/۱۹۵، ۱۳۲۲/۴/۲: ۸.
- ساکما، ۲۴۰/۱۳۴۸۹، ۱۳۲۲/۳/۴: ۱۸.
- ساکما، ۲۴۰/۱۳۴۸۹، ۱۳۲۲/۶/۲۶: ۱۷.
- ساکما، ۲۹۳/۲۲۰، ۱۳۲۲: ۳.
- ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۷۰۴۵، ۱۳۲۲/۱۰/۸: ۲.
- ساکما، ۲۴۰/۰۱۳۷۷۰، ۱۳۲۲/۱۰/۱۹: ۲.
- ساکما، ۹۷/۲۶۰/۱۹۵، ۱۳۲۲/۱۱/۳: ۷.
- ساکما، ۲۶۰/۲۱۷، ۱۳۲۲/۱۲/۲۱: ۴.
- ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۰۰۵۸، ۱۳۲۳/۶/۵: ۱۰.
- ساکما، ۹۷/۲۹۶، ۱۰۵۸، ۱۳۲۴/۴/۱۵: ۱۲.
- ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۷۷۴۸، ۱۳۲۴/۹/۱۸: ۴.

ساکما، ۲۴۰/۰۸۸۵۴۰: ۳.

آبراهامیان، یراوند، (۱۳۸۴)، *ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی*، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیر شانه‌چی، تهران، نشر مرکز، چاپ نهم.

اسکرین، سرکلارمونت، (۱۳۶۳)، *جنگ جهانی در ایران*، ترجمه غلامحسین صالحیار، بی‌جا، نشر سلسله.

اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، (۱۳۸۹)، به کوشش علیرضا روحانی و ابوالفضل ایزدی - زاده، تهران، خانه کتاب.

ایران در بحران، (مهر ماه ۱۳۲۰ تا شهریور ماه ۱۳۲۶) بر پایه خلاصه اخبار شبانه رابوهای خارجی و گزارش‌های روزانه و خلاصه روزنامه‌ها، (۱۳۷۹)، به کوشش کیانوش کیانی هفت لنگ، پرویز بدیعی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.

ایران در اشغال متفقین: مجموعه اسناد و مدارک ۱۳۲۴ - ۱۳۱۸، (۱۳۲۱)، به کوشش صفاءالدین تبراوئیان، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.

ایران در جنگ جهانی بزرگ، (۱۳۵۶)، تهران، مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی.

بولارد، سر ریدر و اسکرین، سر کلارمونت، (۱۳۶۳)، *شترها باید بروند!*، ترجمه حسین ابوترابی‌ان، تهران: نشر نو، چاپ دوم.

خامه‌ای، انور، (۱۳۸۱)، *سال‌های پر آشوب*، ج ۴، تهران، فرزانه روز.

دهقان‌نژاد، مرتضی و لطفی، الهام (۱۳۹۳)، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در جنگ جهانی دوم*، اصفهان، نگارخانه.

ذوقی، ایرج، (۱۳۳۸)، *ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم*، تهران، پاژنگ، چاپ دوم.

عظیمی، فخرالدین، (۱۳۷۲)، *بحران دموکراسی در ایران ۱۳۲۰ - ۱۳۳۳*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران، نشر البرز.

فرخ، مهدی، (۱۳۴۸)، *خاطرات سیاسی فرخ (معتصم‌السلطنه): شامل تاریخ پنجاه ساله معاصر*، تهران، جاویدان.

فوران، جان، (۱۳۸۵)، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب*، ترجمه احمد تدین، تهران، خدمات فرهنگی رسا، چاپ ششم.

کاتوزیان، محمد علی، (۱۳۹۳)، *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، چاپ بیستم.

گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران، (۱۳۸۹)، به کوشش بهروز قطبی، تهران، اطلاعات، چاپ دوم.

لنزوسکی، جورج، (۱۳۵۳)، *رقابت روسیه و غرب در ایران*، ترجمه اسماعیل رائین، تهران، انتشارات جاویدان.

مکی، حسین، (۱۳۶۳)، *تاریخ بیست ساله ایران*، ج ۸، علمی.

میلسپو، آرتور، (۱۳۷۰)، *آمریکایی‌ها در ایران (خاطرات دوران جنگ جهانی دوم)*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر البرز.

اصفهان، ش ۷، ۱۳۲۲/۲/۵: ۳.

اطلاعات، ش ۴۴۸۶، ۱۳۲۰/۱/۵: ۱.

اطلاعات، ش ۴۶۵۸، ۱۳۲۰/۷/۱: ۱.

اطلاعات، ش ۴۷۰۲، ۱۳۲۰/۸/۱۸: ۳.

اطلاعات، ش ۴۷۱۳، ۱۳۲۰/۸/۲۹: ۳.

اطلاعات، ش ۴۷۱۷، ۱۳۲۰/۹/۳: ۱.

اطلاعات، ش ۴۷۶۵، ۱۳۲۰/۱۰/۲۲: ۱.

اطلاعات، ش ۴۷۷۰، ۱۳۲۰/۱۰/۲۷: ۳.

اطلاعات، ش ۴۸۳۴، ۱۳۲۱/۱/۱۰: ۱.

اطلاعات، ش ۴۹۰۲، ۱۳۲۱/۳/۱۸: ۱.

اطلاعات، ش ۴۹۲۷، ۱۳۲۱/۴/۱۲: ۴.

اطلاعات، ش ۴۹۳۴، ۱۳۲۱/۴/۱۹: ۱.

اطلاعات، ش ۴۹۳۸، ۱۳۲۱/۴/۲۳: ۱.

اطلاعات، ش ۴۹۸۱، ۱۳۲۱/۶/۸: ۴.

اطلاعات، ش ۴۹۸۲، ۱۳۲۱/۶/۹: ۴.

اطلاعات، ش ۴۹۸۳، ۱۳۲۱/۶/۱۰: ۱.

اطلاعات، ش ۵۱۲۰، ۱۳۲۱/۱۲/۲۰: ۱.

اطلاعات، ش ۵۲۲۳، ۱۳۲۲/۴/۲۶: ۳.

اطلاعات، ش ۵۲۷۴، ۱۳۲۲/۶/۲۶: ۴.

اطلاعات، ش ۵۲۷۹، ۱۳۲۲/۷/۳: ۴.

اطلاعات، ش ۵۳۰۴، ۱۳۲۲/۸/۲: ۳.

اطلاعات، ش ۵۳۳۴، ۱۳۲۲/۹/۸: ۴.

اطلاعات، ش ۵۳۹۸، ۱۳۲۲/۱۱/۲۷: ۱.

اطلاعات، ش ۵۴۳۲، ۱۳۲۳/۱/۱۶: ۱.

اطلاعات، ش ۵۴۵۰، ۱۳۲۳/۲/۶: ۴.

اطلاعات، ش ۵۴۸۲، ۱۳۲۳/۳/۱۳: ۴.

اطلاعات، ش ۵۵۲۹، ۱۳۲۳/۵/۱۰: ۱.

اطلاعات، ش ۵۴۳۴، ۱۳۲۳/۵/۱۷: ۱.

اطلاعات، ش ۵۶۴۲، ۱۳۲۳/۹/۲۷: ۴.

اطلاعات، ش ۵۷۰۲، ۱۳۲۳/۱۲/۱۲: ۴.

اطلاعات، ش ۵۸۱۵، ۱۳۲۴/۴/۳۰: ۱.

اطلاعات، شهر ۵۸۸۶، ۱۳۲۴/۷/۲۶: ۴.

اطلاعات، شهر ۵۸۸۷، ۱۳۲۴/۷/۲۸: ۴.

رهبر، شمر، ۲۷۲: ۱۳۲۳/۲/۷: ۱.

ستاره، شر، ۱۸۵۳: ۱۳۲۳/۵/۲۱: ۱.

عصر اقتصاد، ش ۱۹: ۱۳۲۳/۴/۱۵: ۱.

پیوستہا

[illegible]

نمونه‌ای از کوپن شکر در دوره جنگ جهانی دوم منبع: ساکما، ۹۷/۲۶۰/۹۷۰، ۲.

دفترچه جیره بندی کارمندان دولت	
بازرسی ماهیانه اداره مربوطه	بازرسی شد آبان ماه
	بازرسی شد آذر ماه
	بازرسی شد دیماه
	بازرسی شد بهمن ماه
	بازرسی شد اسفند ماه

شماره کارت ۲۰۱۹۲
وزارتخانه
اسم بنگاه

نمونه‌ای از دفترچه جیره‌بندی کارمندان دولت منبع: ساکما، ۲۲۰/۲۹۳: ۱۳.